Mashreq- e Mouood
Mahdism Scientific-Research Quarterly
Online ISSN: 2717-2015
Print ISSN: 2423-7663
Twentieth year, No 79, Spring 2026

Imam Mahdi's (A.S) Attire and Social Justice in the Era of Reappearance: A Comparative Study of Shia Traditions

Mohammad amin Ghoochani Gharawi [1]

Abstract

In Islamic culture, clothing embodies more than external appearance; it reflects religious convictions, social identity, and one's place within the faith community. Mahdist traditions describe Imam al-Mahdi (A.S) after his reappearance wearing simple, coarse, ascetic garments, while accounts of other Shia Imams - such as Imam al-Ridha (AS) - mention the use of fine, luxurious attire. These differences prompt critical questions: Does ascetic clothing align with Imam al-Mahdi's global, governing role? Do luxurious garments worn by other Imams conflict with the Ahl al-Bayt's principle of simplicity? Through qualitative and interpretive analysis of authentic Shia narrations and selected historical sources, this study compares Imam al-Mahdi's attire with the clothing practices of other Ma'sūmīn. Findings reveal that ascetic dress during the reappearance era is a deliberate educational tool, reinforcing justice, solidarity with the masses, and opposition to aristocracy in the Mahdist world. Conversely, the clothing of other Imams reflected contextual factors such as time, place, political constraints, or taqiyyah, without undermining ascetic values. The research offers a balanced framework linking the outward form of religious clothing to its inner moral and pedagogical purposes for modern Muslim society.
Keywords: Imam al-Mahdi (AS), Clothing, Prophetic Household Traditions, Social Justice, Reappearance Era, Mahdist Rule, Hadith-Based Analysis

1. Senior Instructor at Qom Seminary and University Lecturer; Level 4 in Kalam (Theology), Imam al-Sadiq Institute, Qom, Iran(gh.gh.m.a.1990@gmail.com)

مشرق موعود
فصلنامه علمی - پژوهشی مهدویت
شاپا چاپی : 2423-7663
شاپا الکترونیک : 2717-2015
دوره بیستم/ شماره ۱ (پیاپی ۷۹) / بهار ۱۴۰۵

پوشش (لباس) امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و عدالت اجتماعی در عصر ظهور: تحلیل تطبیقی روایات شیعی*

محمدامین قوچانی غروی[1]

چکیده

پوشش، در فرهنگ اسلامی، تنها یک عنصر ظاهری نیست، بلکه بازتابی از باورهای دینی، هویت اجتماعی و موقعیت فرد در ساختار اعتقادی جامعه است. در روایات مهدوی، از پوشش ساده، خشن و زاهدانه‌ای برای امام زمان علیه‌السلام پس از ظهور سخن به میان آمده است، در حالی که در برخی روایات درباره سایر امامان شیعه، مانند امام رضا علیه‌السلام، به استفاده از لباس‌های نفیس و فاخر اشاره شده است. این تفاوت ظاهری در پوشاک، پرسش‌هایی جدی را ایجاد می‌کند: آیا پوشش زاهدانه امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف با نقش جهانی و حکومتی او همخوان است؟ آیا استفاده از لباس‌های فاخر توسط دیگر امامان، با اصل ساده‌زیستی در سیره اهل‌بیت در تعارض نیست؟ این مقاله با روش تحلیل کیفی و تفسیری، با استناد به مجموعه‌ای از احادیث معتبر شیعه و برخی گزارش‌های تاریخی، به بررسی ابعاد گوناگون پوشش امام زمان علیه‌السلام در مقایسه با سیره پوشاکی دیگر معصومان می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهند که پوشش زاهدانه امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در دوران ظهور، نه‌تنها در تضاد با موقعیت سیاسی و اجتماعی ایشان نیست؛ بلکه خود عنصری تربیتی و ساختاری برای تحقق عدالت، هم‌دلی با توده‌ها و مقابله با اشرافی‌گری در جامعه جهانی مهدوی است. در مقابل، پوشش سایر امامان، تابع شرایط زمان، مکان و وضعیت حکومتی یا تقیه بوده و تناقضی با اصل زهد و معنویت ندارد. این پژوهش می‌کوشد تا الگویی متعادل میان ظاهر و باطن پوشش دینی ارائه دهد و پیام‌های تربیتی این سیره را برای جامعه معاصر بازخوانی کند.

واژگان کلیدی

امام مهدی، پوشش(لباس)، سیره معصومان، عدالت اجتماعی، عصر ظهور، حکومت مهدوی، تحلیل روایی.

مقدمه

پوشش ظاهری شخصیت‌های دینی، همواره از پرسش‌های مهم و توجه‌برانگیز در میان جوامع مذهبی بوده است. در منابع حدیثی و تاریخی شیعه، شواهد متعددی وجود دارد که

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۱۱ ؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۰۲

۱. استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم و مدرس دانشگاه؛ سطح چهار کلام، مؤسسه امام صادق(ع)، قم، ایران(gh.gh.m.a.1990@gmail.com)

نشان می‌دهد لباس و شکل ظاهری ائمه علیهم‌السلام، در دوره‌های مختلف، برای مردم و پیروان آن بزرگواران پرسش‌برانگیز و گاه حتی چالش‌زا بوده است. علت این حساسیت، جایگاه ویژه امامان در هدایت فکری، تربیتی و اجتماعی امت اسلامی است. از این‌رو، ظاهر و پوشش آنان، تنها یک رفتار شخصی تلقی نمی‌شد، بلکه به‌عنوان جلوه‌ای از موضع‌گیری دینی، ساده‌زیستی، عدالت‌خواهی یا حتی مشروعیت سیاسی، تحلیل می‌گردید.

این حساسیت تاریخی، امروز نیز در ذهن مؤمنان و منتظران ظهور، درباره پوشش امام زمان علیه‌السلام ادامه دارد. به‌ویژه آن‌که در روایات متعددی، لباس حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در دوران ظهور، «خشن»، «زبر»، و «ساده» توصیف شده است؛ تصویری که در نگاه نخست، با شکوه حکومت جهانی و تمدن پیشرفته مهدوی، نوعی تعارض و تضاد ظاهری ایجاد می‌کند. از سوی دیگر، در برخی روایات درباره دیگر معصومان، گزارش‌هایی از استفاده لباس‌های فاخر و رسمی آمده است. این تفاوت‌ها، سؤالات بنیادینی را برمی‌انگیزد:

ـ آیا ساده‌زیستی در پوشش، با عدالت‌گستری جهانی در عصر ظهور سازگار است؟

ـ چگونه می‌توان تعارض ظاهری میان لباس‌های متواضعانه و حاکمیت عظیم جهانی را تحلیل کرد؟

ـ چه فلسفه و کارکردی در ورای این سیره وجود دارد و چه آموزه‌هایی برای جامعه امروز دارد؟

لباس، در فرهنگ‌های انسانی، افزون بر کارکرد پوشانندگی و زیبایی، کارکردهای هویتی، نمادین و اجتماعی دارد. در آموزه‌های اسلامی نیز، لباس نه‌تنها بخشی از رفتار فردی است، بلکه نشانه‌ای از سطح تقوا، نوع نگاه به دنیا، و جایگاه فرد در ساختار اجتماعی ـ دینی به شمار می‌رود. از این‌رو، بررسی پوشش معصومان علیهم‌السلام در تحلیل سیره آنان، یکی از کلیدهای فهم عمیق سبک زندگی دینی است؛ زیرا سبک زندگی ائمه اطهار علیهم‌السلام به‌عنوان الگوهای کامل دین، نقش محوری در شکل‌دهی به اخلاق، هویت و رفتار شیعیان دارد.

در این مقاله، با روش تحلیل روایی ـ تفسیری، مجموعه‌ای از روایات مرتبط با پوشش امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بررسی شده و با سنت رفتاری سایر معصومان مقایسه می‌گردد. تلاش شده است تفاوت‌های زمانی، شرایط اجتماعی، موقعیت‌های حکومتی و اهداف تربیتی هر امام در این تحلیل لحاظ گردد. این پژوهش نشان می‌دهد که سادگی در پوشش امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نه‌تنها با شکوه عصر ظهور در تعارض نیست، بلکه بخشی از حاکمیت اخلاقی و راهبرد عدالت‌گستری جهانی ایشان است؛ الگویی که مانع از بازتولید تفاخر طبقاتی، تحقیر مستضعفان، و تفرقه

اجتماعی در جامعه آرمانی مهدوی خواهد بود.

پیشینه پژوهش

مرور منابع و مطالعات پیشین نشان می‌دهد که اگرچه درباره شخصیت و سبک زندگی امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف آثار متعددی نگاشته شده، اما بررسی متمرکز بر پوشش ایشان در عصر ظهور، کمتر به‌طور مستقل و نظام‌مند مورد واکاوی قرار گرفته است. در برخی آثار، مانند کتاب‌های امینی گلستانی (۱۳۸۵)، خراسانی (۱۳۸۸) و علی‌نوری (۱۳۸۵)، احادیث مرتبط با پوشش امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به‌صورت گذرا و در حاشیه مباحث کلی‌تر از زندگی آن حضرت مطرح شده است؛ این آثار اغلب بدون تحلیل عمیق مفهومی یا تطبیقی، صرفاً به نقل احادیث بسنده کرده‌اند.

در حوزه مقالات پژوهشی نیز، مقالاتی مانند زارع‌گاریزی (۱۴۰۱) و مهوری (۱۳۸۴) به موضوع سبک پوشش در سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام پرداخته‌اند، اما تمرکز این مقالات بیشتر بر تطبیق رفتار دولت‌مردان مسلمان با سیره پوششی ائمه علیهم‌السلام در دوران غیبت بوده است. در این مقالات، پوشش ائمه علیهم‌السلام و همچنین امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به‌عنوان یکی از شاخصه‌های ساده‌زیستی، در راستای تحلیل نقش الگوی رفتاری ایشان برای مسئولان حکومت اسلامی بررسی شده است، اما در چارچوب عدالت‌گستری و موقعیت خاص دوران ظهور و پاسخ به شبهات در این زمینه پژوهش مستقل صورت نپذیرفته است.

در مجموع، می‌توان گفت که پژوهش‌های موجود یا به‌صورت کلی و اجمالی به پوشش امام زمان علیه‌السلام پرداخته‌اند، یا تمرکز آنها بر تطبیق اجتماعی و سیاسی سبک پوشش اهل‌بیت با زندگی مدیران دینی معاصر بوده است. خلأ پژوهشی در بررسی تطبیقی پوشش امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف با سایر معصومان و تحلیل دلالت‌های اجتماعی، سیاسی و تربیتی آن در چارچوب عدالت جهانی مهدوی، نیازمند تحقیقی مستقل و جامع است؛ این مقاله در جهت برطرف کردن این خلأ انجام آن است.

پوشش (لباس) معصومان علیهم‌السلام و مواجهه اجتماعی

تاریخ اسلام به‌ویژه در دوران پس از پیامبر مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله، با فراز و فرودهای سیاسی و اجتماعی همراه بود که منجر به محرومیت اهل‌بیت علیهم‌السلام از حکومت شد. به‌ویژه پس از دوره کوتاه حکومت ظاهری امیرالمؤمنین علیه‌السلام و صلح تحمیلی بر امام حسن علیه‌السلام، فضای حاکم بر جوامع اسلامی به‌گونه‌ای پیش رفت که ائمه بعدی، ناگزیر از تقیه و زیستن در شرایطی خاص شدند. با این حال، رفتارها و سبک زندگی ایشان همواره مورد توجه دقیق جامعه، به‌ویژه

پیروان و نیز مخالفان قرار داشته است. در این میان، پوشش ظاهری و نوع لباس ائمه اطهار علیهم‌السلام نیز به عنوان نشانه‌ای از جایگاه اجتماعی، نگاه دینی و میزان تقوا، بارها مورد پرسش، نقد یا تحسین قرار گرفته است.

واکنش‌های مردم به پوشاک معصومان و پاسخ‌های هدایت‌گرانه ایشان، نشانگر وجود برداشت‌های سطحی یا ناقص از مفهوم زهد، دنیاگریزی و تقوا در افکار عمومی آن زمان بوده است. معصومان علیهم‌السلام در برابر چنین برداشت‌هایی، با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآنی و سنت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، الگوی متوازنی از بهره‌مندی حلال از نعمت‌ها، همراه با تقوای درونی و عدالت اجتماعی ارائه دادند.

نمونه‌هایی از مواجهه‌های اجتماعی با پوشش اهل‌بیت علیهم‌السلام

۱. پاسخ تفصیلی امام صادق علیه‌السلام به سفیان ثوری

گزارش شده سفیان ثوری با مشاهده لباس‌های گران‌قیمت بر تن امام صادق علیه‌السلام، با لحنی انتقادی آن را برخلاف سیره پیامبر و امیرالمؤمنین علیهما‌السلام دانست. امام صادق علیه‌السلام در پاسخ، با استناد به آیه ۳۲ سوره اعراف،[۱] تأکید فرمودند که «ابرار و نیکان، شایسته‌ترین افراد برای بهره‌مندی از نعمت‌های خداوند هستند».

این روایت نه‌تنها تبیینی قرآنی از مشروعیت استفاده از پوشاک زیبا ارائه می‌دهد؛ بلکه با اقدام عملی امام علیه‌السلام ـ که بر پایه همین روایت، لباس زبر و خشن را در زیر لباس فاخر خود پنهان داشته‌اند ـ نشان می‌دهد که اهل‌بیت علیهم‌السلام در عین بهره‌مندی مشروع از نعمت‌های دنیا، در مقام بندگی، زهد فردی را ترک نکرده‌اند. همچنین به‌وضوح در پاسخ امام، عنصر شفاف‌سازی اجتماعی مشهود است، آن‌گاه که ایشان در مقابل سفیان، پوشش زیرین خود را نشان داده و با مقابله‌به‌مثل، ریاکاری سفیان را آشکار می‌سازند. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۶، صص.۴۴۲-۴۴۳)

۲. پرسش‌گری کامل‌بن‌ابراهیم‌مدنی از امام حسن عسکری علیه‌السلام

کامل‌بن‌ابراهیم برای ارائه چند پرسش به محضر امام عسکری علیه‌السلام مشرف شد، اما مشاهده لباس‌های زیبا بر تن امام علیه‌السلام، موجب شگفتی‌اش شده و در نظر او با آموزه‌های مواسات و برابری زیستی با مستمندان در جامعه، ناسازگار آمد. پاسخ مختصر، اما ژرف امام عسکری علیه‌السلام

۱. ﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبادِهِ وَ الطَّيِّباتِ مِنَ الرِّزْقِ﴾ بگو چه کسی زینتی را که خدا برای بندگانش پدید آورده و رزق و روزی پاکیزه را حرام کرده است؟

چنین بود که با نشان دادن لباس زیرین و خشن خود فرمودند: «این لباس خشن برای خداوند است، و آن لباس زیبا برای مردم».

این پاسخ، آشکارا نشان می‌دهد که ائمه علیهم‌السلام در جامعه‌ای حضور داشتند که ظاهر و پوشش، در تلقی عمومی نقش کلیدی در اظهار نظرها و ارزیابی‌ها ایفا می‌کرد. در حقیقت، امام علیه‌السلام در این پاسخ، میان حوزه فردی عبادی و حوزه اجتماعی تفاوت قائل شده و بر اقتضای شرایط اجتماعی در ظاهر، و خلوص نیت در باطن تأکید می‌کنند. (طوسی، ۱۴۱۱ق، صص.۲۴۶-۲۴۷)

۳. رویارویی عَبّاد بصری با امام صادق علیه‌السلام

عَبّاد بصری با مشاهده لباس گران‌بهای امام صادق علیه‌السلام، به ایشان اعتراض می‌کند. در این مواجهه نیز همانند جریان سفیان، پاسخ امام علیه‌السلام با چند مؤلفه مهم همراه است؛ در گام نخست، رفتار خویش را مصداقی از آیه ۳۲ سوره اعراف، معرفی کرده تا بر علاقه خداوند سبحان به نمایش نعمت‌ها در قالب مشروع تاکید کنند. سپس این‌گونه پرسش‌ها را مایه آزار و اذیت خویش به عنوان پاره تن پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌دانند. پس این گزارش نیز نشان‌دهنده استفاده ائمه از روش «مقابله با ظاهرگرایی دینی» و دفاع عقلانی از سنت اسلامی بهره‌مندی حلال از نعمات خداوند است. وانگهی، در همین گزارش اشاره می‌شود که عباد بصری در پوشش و لباس، دارای روشی دوگانه و نفاق‌گونه بوده است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۶، صص.۴۴۴-۴۴۳)

۴. پرسش یوسف بن ابراهیم از امام صادق علیه‌السلام

در روایتی دیگر، یوسف‌بن‌ابراهیم متوجه می‌شود که جنس لباس امام صادق علیه‌السلام از جنس فاخر خَز است و وقتی از حکمش پرس‌وجو می‌کند، امام علیه‌السلام آن را بدون اشکال می‌دانند. سپس ایشان به سابقه تاریخی استفاده امام حسین علیه‌السلام از این نوع لباس تا لحظه شهادت اشاره می‌کنند. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۶، ص.۴۴۱؛ عیّاشی، ۱۳۸۰ق، ج۲، ص.۱۵؛ المغربی، ۱۳۸۵ق، ج۲، صص.۱۵۴-۱۵۳) همچنین در حدیثی دیگر، گزارش شده که سیره همیشگی امام سجاد علیه‌السلام بر پوشیدن لباس از جنس خز بوده است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۶، ص.۴۵۱)

مضمون این روایت، به صراحت در فرمایش امام جواد علیه‌السلام بازتاب پیدا کرده که فرمود:

> ما خاندان پیامبر، از پوشاک خز و یُمنه (لباس‌های ممتاز) استفاده می‌کنیم. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۶، ص.۴۵۱)

به هر حال، در پرتو این گزارش‌ها و نمونه‌های مشابه دیگر، (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۶، صص.۴۴۸-۴۴۹، ح۱۳؛ ج۵، ص.۷۶، ح۱۳) روشن می‌شود که پوشاک اهل‌بیت علیهم‌السلام نه تنها موضوعی حاشیه‌ای نبوده، بلکه به دلیل جایگاه الگو بودن ایشان، همواره تحت نگاه موشکافانه مخاطبان قرار داشته است. معصومان علیهم‌السلام نیز در پاسخ، با دقتی حکیمانه، میان پوشش فردی در مقام عبودیت و پوشش اجتماعی در مقام راهبری تفاوت قائل شده‌اند. بنابراین، طرح مسئله پوشش امام زمان علیه‌السلام در دوران ظهور، در امتداد همین سنت تحلیلی قابل طرح است. اگر در دوران تقیه، پاسخ‌ها بر محور تبیین مشروعیت پوشاک در شرایط عادی و حفظ عزت شیعه استوار بود، بررسی و تبیین چگونگی پوشش امام زمان علیه‌السلام در دوران ظهور و پس از برپایی حکومت عدل الهی، نیز ضروری و راهگشا خواهد بود.

مبنای روش‌شناختی در تحلیل روایات پوشش امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف

بررسی ژرف در منابع حدیثی شیعه نشان می‌دهد که تحلیل مسئله پوشش امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در عصر ظهور، نیازمند رویکردی جامع‌نگر و چندلایه است. در این راستا، بسنده‌کردن به دسته‌ای محدود از احادیث که به‌طور مستقیم و صریح به نوع لباس و پوشش آن حضرت اشاره دارند، نمی‌تواند تمامی ابعاد مسئله را روشن سازد؛ چراکه شخصیت امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در مجموعه گسترده‌ای از روایات، نه‌تنها به‌عنوان یک امام معصوم، بلکه به‌عنوان احیاگر و ادامه‌دهنده‌ی سیره نبوی و علوی معرفی شده است. از این‌رو، برای تحلیل دقیق‌تر این موضوع، بررسی سیره و سبک زندگی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و امیرالمؤمنین علیه‌السلام نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. بنابراین با توجه به این نکته که امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف تنها امام معصوم پس از پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله و امیرالمؤمنین علیه‌السلام خواهد بود که حکومت جهانی عادلانه را به‌صورت کامل تحقق خواهد بخشید، پس سیره پوششی ایشان (لباس پوشیدن) با سیره حاکمان الهی پیش از خود، ارتباط وثیق و هدفمندی دارد.

افزون بر این، در روایات سایر امامان علیهم‌السلام، به‌ویژه آن دسته که به فلسفه پوشش حاکمان دینی، تفاوت در نوع پوشش در شرایط گوناگون، و الزامات اجتماعی و سیاسی آن اشاره دارند، نکات کلیدی برای تبیین موضوع مورد پژوهش قابل استنباط است.

در این میان، سه تن از معصومان؛ یعنی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام و امام حسن مجتبی علیه‌السلام، تجربه واقعی حکومت‌داری ظاهری را در کنار جایگاه امامت و ولایت دارا بوده‌اند و از این جهت، تحلیل پوشش آنان می‌تواند به درک بهتری از پوشش امام

مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بینجامد. همچنین امام رضا علیه‌السلام نیز با پذیرش ظاهری منصب ولایت‌عهدی، هرچند در چارچوب اجبار سیاسی، در نظر مردم به‌عنوان فردی در جایگاه حکومتی تلقی می‌شدند، و از این منظر، سیره ایشان نیز حائز اهمیت است.

از سوی دیگر، در روایت‌های مربوط به سایر ائمه علیهم‌السلام نیز که حکومت ظاهری نداشتند، گزارش‌هایی درباره نوع پوشاک، انگیزه‌های آن، و واکنش‌های اجتماعی پیرامون آن ثبت شده که برای تحلیل تطبیقی حاضر، سودمند است. بنابراین، دسته‌بندی و تحلیل روشمند این مجموعه از روایات، از حیث جایگاه حکومتی، شرایط اجتماعی و هدف پوشش، گامی اساسی در پاسخ به پرسش‌های اصلی این پژوهش و تبیین چالش‌های مفهومی پیرامون آن به‌شمار می‌رود.

سیره پوششی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله؛ الگویی برای رهبر عدالت‌گستر آینده

مرور گزارش‌های تاریخی و روایی نشان می‌دهد که پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله، در عین اهتمام جدی به نظافت، آراستگی و شأن ظاهری، همواره از مظاهر تجمل و اشرافی‌گری فاصله می‌گرفت. سیره عملی آن حضرت، ترکیبی از سادگی، وقار، و پرهیز از افراط در مظاهر مادی بود؛ به‌گونه‌ای که تمایز ظاهری ایشان با دیگر یاران، در نگاه نخست مشخص نمی‌شد. در منابع متعدد آمده است که اگر فردی غریبه وارد جمعی می‌شد که پیامبر در آن حضور داشت، نمی‌توانست تشخیص دهد کدام‌یک پیامبر است، مگر آن‌که از حاضران سوال می‌کرد. (نسائی, بی‌تا: ص.۲۳۴؛ کراجکی, ۱۴۱۰ق، ج۱، ص.۲۱۲) این ویژگی، گواهی روشن بر فروتنی و سادگی در پوشش و رفتار پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله است.

روایات مربوط به نوع پوشاک ایشان نیز تأکید دارند که لباس‌های پیامبر از جنس پنبه، (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۶، ص.۴۴۶؛ صدوق، ۱۳۶۲: ج۲، ص.۶۱۳) ساده، گاهی کهنه و زبر بوده‌اند. (ابن حنبل، ۱۴۱۶ق، ج۴۲، ص.۷۰؛ ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج۱، ص.۲۴۲) گزارش عقبة بن علقمه از گفت‌وگوی خود با امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام به‌خوبی این مسئله را بازتاب می‌دهد. عقبة بن علقمه می‌گوید:

> به محضر امیرالمؤمنین علیه‌السلام وارد شدم و دیدم که در برابر ایشان، یک ظرف شیر ترش بود. چنان ترش که ترشی‌اش من را آزار داد، و همچنین تکه‌ای نان خشک نیز بود. گفتم: «یا امیرالمؤمنین! آیا غذای شما با این مقام و جایگاه چنین است؟» امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود: «ای ابوالجنوب! دیدم که رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله نانی خشک‌تر از این می‌خورد و لباسی خشن‌تر از این لباس می‌پوشید». امیرالمؤمنین علیه‌السلام در این

لحظه به لباس خودشان اشاره کردند و در ادامه فرمودند: «و اگر من همانند او نخورم و نپوشم، می‌ترسم که به او ملحق نشوم». (ثقفی، ۱۳۹۵ق، ج۱، صص.۸۴-۸۵)

از این سخن می‌توان دریافت که ساده‌زیستی پیامبر اسلام، نه امری اتفاقی یا شخصی، بلکه سیره‌ای راهبردی با پیامدهای تربیتی، سیاسی و اجتماعی بوده است. افزون بر آن، روایات به‌صورت استثنائی از روز جمعه به‌عنوان زمانی یاد می‌کنند که پیامبر اکرم لباسی نو یا تمیزتر به تن می‌کردند. (ابو الشیخ، ۱۹۹۸م: ص.۱۰۲؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج۱، ص.۱۴۶) این استثنا نیز نشان‌دهنده‌ی تعادل در سیره نبوی است؛ یعنی حفظ کرامت فردی و اجتماعی در چارچوبی ساده، اما آراسته.

در مجموع، پوشش پیامبر اکرم ﷺ نمادی از حکومتی برپایه عدالت، فروتنی و پیوند با اقشار فرودست جامعه بود؛ الگویی که در روایات مربوط به امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نیز به‌صراحت تداوم آن پیش‌بینی شده است. از این رو، در تحلیل سیره پوشاکی حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، توجه به سنت پیامبر و پیوند میان آن دو، ضرورتی انکارناپذیر به شمار می‌رود.

پوشش در سیره امیرالمؤمنین علیه‌السلام

براساس روایات متعدد، امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در سیره پوشش، افزون بر تبعیت از پیامبر اعظم ﷺ، به صورت خاص، امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام را نیز الگوی خویش قرار خواهند داد. از این رو، تحلیل سیره پوششی امیرالمؤمنین علیه‌السلام به‌ویژه در دوره خلافت ظاهری، سهم قابل توجهی در فهم سیره پوششی منجی موعود دارد.

گزارش‌های تاریخی از دوران کودکی امیرالمؤمنین علیه‌السلام، که در دامن پیامبر اعظم ﷺ پرورش یافت، نمایانگر جایگاه ویژه او نزد رسول خدا ﷺ و حضرت خدیجه علیهاالسلام است. در این دوره، حضرت خدیجه، با محبت مادری، پوشاک فاخر و زیورآلاتی برای ایشان تهیه می‌کرد. (مسعودی، ۱۴۲۶ق، ص.۱۴۴) با این حال، پس از بلوغ و در مسیر تکامل شخصیت دینی و سیاسی، سیره پوششی آن حضرت به الگویی از زهد، ساده‌زیستی و دوری از مظاهر اشرافی تبدیل شد.

تنها گزارشی که به‌صراحت از سیره پوششی حضرت در دوره پیش از خلافت ظاهری یاد می‌کند، به واقعه خیبر بازمی‌گردد؛ جایی که پیامبر اکرم ﷺ پس از دعا برای شفای چشمان امیرالمؤمنین علیه‌السلام، از خداوند خواست او را از گزند گرما و سرما محفوظ دارد. بنابر روایت عبدالرحمن بن ابی‌لیلی، از آن پس، امیرالمؤمنین علیه‌السلام در هر فصل، لباسی ساده و متضاد با

شرایط آب‌وهوایی می‌پوشید، بی‌آن‌که آسیبی ببینند. (ابن ابی شیبة، ۱۴۰۹ق، ج۶، ص.۳۶۷؛ طبرسی، ۱۳۹۰ق، ص.۱۸۵)

امـا مهم‌تـرین بخـش از منـابع روایـی بـه دوره خلافـت ظـاهری آن حضـرت ارتبـاط دارد. امیرالمؤمنین علیه‌السلام در دوره زمامداری خود، پیروی از سنت نبوی را شرط اساسی خلافت معرفی کردنـد و در مـوارد متعـددی، از جملـه پـس از قتـل خلیفـه دوم و در شـورای شـش‌نفره کـه مقـام خلافت ابتدا بـه آن حضرت پیشنهاد شد، (طبری، ۱۹۶۷م: ج۴، ص.۲۹۳؛ ابـن أبـی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج۱، ص.۱۸۸) و همچنـین پـس از قتـل عثمـان و اسـتقبال و هجـوم مسلمانان مدینـه، مصر و کوفه برای بیعت با امیرالمؤمنین علیه‌السلام، خود را متعهد و ملتزم به پیـروی از سـنت پیـامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله معرفی کردند. (مفید، ۱۴۱۳ق، ج۱، ص.۲۶۱؛ ابـن اعـثم، ۱۴۱۱ق، ج۲، ص.۴۳۶) ایـن تبعیت نه‌فقط در حوزه سیاست، بلکه در سبک زندگی و حتی پوشش شخصی آن حضرت نیـز کاملاً مشهود است.

گزارش‌های متعدد از زمان خلافت امیرالمؤمنین علیه‌السلام گواه بر آن است که ایشان خود را ملزم می‌دانستند که با ضعیف‌ترین قشر جامعه همسان باشند، تـا نـه فقر بـر فقیر سنگینی کند و نـه ثروتمند دچار غرور و طغیان شود. این سیره پوششی، نـه‌تنها نشانی از زهد فردی، بلکه روشی راهبردی برای حفظ عدالت اجتماعی، فروتنی در حکومت‌داری، و توازن میان طبقات جامعه بود. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۱، ص.۴۱۰) امام علیه‌السلام در گفت‌وگو بـا عاصم بـن زیاد تصریح می‌کند که حاکم الهی باید ظاهر و زندگی‌اش به فقرا نزدیک باشد تا فاصله طبقاتی به نارضایتی و گسست اجتماعی نیانجامد. گزارش شده امیرالمؤمنین علیه‌السلام برای عیادت از علاء بن زیاد حارثی به بصره سفر کرده بودند. هنگامی که ایشان خانه علاء را وسیع و بزرگ دید، او را به اهمیت یاد آخرت و دوری از گرایش به دنیا توصیه کردند. سپس علاء گفت: «یا امیرالمؤمنین، از برادرم عاصم بـن زیاد به تو شکایت دارم». امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود: «چه شکایتی؟» فرمود: «لباسی کهنه پوشیده و دل از دنیـا بریـده». امیرالمـؤمنین فرمـود: «او را نـزد مـن حاضـر کنیـد». وقتـی عاصـم آمـد، امیرالمؤمنین فرمود: «ای دشمن جان خویش، شیطان پلید تو را به بی‌راهه کشیده، آیا بـه زن و فرزند خود رحـم نکردی؟! گمان می‌کنـی خداوند چیزهای پاکیزه را بـر تـو حـلال کرده سپس از این‌که از آنها بهره‌مند شوی ناراضی است؟ تـو نـزد خداونـد بـی‌مقدارتر از آن هستی کـه بـا تـو این‌گونـه رفتـار نمایـد.» عاصم گفت: «یا امیرالمؤمنین، تو خود با لباس خشن و غذای نـاگوار زنـدگی می‌کنـی!»، امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود: «وَیحَكَ إِنِّی لَسْتُ كَأَنْتَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَی فَرَضَ عَلَی أَئِمَّةِ الْحَقِ الْعَدْلِ أَنْ یقَدِّرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعَفَةِ النَّاسِ كَیلَا یتَبَیغَ بِالْفَقِیرِ فَقْرُهُ»؛ «وای بـر تـو، من

همانند تو نیستم؛ زیرا خداوند بر پیشوایان عادل واجب فرموده که خود را با مردم تهی‌دست و فقیر برابر قرار دهند تا فقر بر فقیر سخت نباشد و او را از پای در نیاورد». (سید رضی، ۱۴۱۴ق، خطبه ۲۰۹؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۱، صص.۴۱۰-۴۱۱)

همچنین روایت تاریخی احنف بن قیس از مقایسه مجلس اشرافی معاویه با سفره ساده و مُهر شده امیرالمؤمنین علیه‌السلام، گواه روشنی از تفاوت دو رویکرد است؛ یکی بر پایه تجمل و اشرافیت، دیگری بر مبنای زهد، مسئولیت‌پذیری، و سیره نبوی؛ در گزارش احنف بن قیس آمده که وقتی در مجلس معاویه حضور داشت، از او با بهترین خوراکی‌ها پذیرایی کرد. سپس احنف به گریه افتاد و وقتی معاویه دلیل آن را جویا شد، گفت: «خداوند برای علی‌بن‌ابی‌طالب گوارا قرار دهد که آنچه تو و دیگران بر خودتان اجازه نمی‌دهید، او با خودش کرده است». سپس توضیح داد: «یک شب هنگام افطار به محضر امیرالمؤمنین علیه‌السلام وارد شدم و آن حضرت فرمود: «برخیز و با حسن و حسین شام بخور». سپس خودش به نماز برخاست و چون تمام شد، کیسه‌ای را که با مهر خودش مهر و موم شده بود، درخواست کرد و از آن جوی آسیاب شده را بیرون آورد و دوباره کیسه مهر زد.» احنف پرسید: «ای امیرالمؤمنین! من به یاد ندارم که شما یک انسان بخیل باشید، پس چگونه این کیسه جو را مهر زدید؟» امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند: «من آن را از روی خساست و بخل نبستم، بلکه ترسیدم حسن و حسین آن را با قیمه یا چربی بخورند.» احنف پرسید: «آیا خوردن چنین غذایی برای آنها حرام است؟» امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند: «خیر، اما ائمه و رهبران حق باید از ضعیف‌ترین وضعیت زیردستان و رعایت خود در غذا و لباس پیروی کنند، و به گونه‌ای باشند که آنها را از رعیت متمایز نسازد، که در این صورت باعث می‌شود فقیر از خداوند به دلیل وضعیتی که دارد، راضی باشد و ثروتمندان با دیدن حاکم جامعه به شکل فقیران، خداوند را بابت وضعیت خوبشان شکر و سپاس گویند و تواضع آنها بیشتر شود.» (ابن الجوزی، ۱۴۱۸ق، ص۱۰۶)

نکته حائز اهمیت، ارتباط مستقیم این سیره علوی با پوشش حضرت ولی‌عصر علیه‌السلام در دوران ظهور است. در چندین روایت، تصریح شده که امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف پس از تشکیل حکومت، به سیره و پوشش امیرالمؤمنین علیه‌السلام اقتدا خواهند کرد؛ حماد بن عثمان گزارش می‌کند:

> در محضر امام صادق علیه‌السلام بودم که مردی به آن حضرت گفت: «خداوند کار شما را اصلاح کند، شما فرمودید: «علی بن ابی طالب علیه‌السلام لباس زبر و خشن، و پیراهن به قیمت ارزان یعنی چهار درهم می‌پوشید و مانند اینها، در صورتی که بر تن شما لباس

نـو مـی‌بینـیم، چـرا چنـین است؟» امـام صـادق علیه‌السلام فرمـود: «بی‌تردیـد علـی ابـن ابـی طالب علیه‌السلام آن لباس‌ها را در زمانی می‌پوشید که در نگاه مردم زشت و نامفهوم نبـود، و اگـر آن لبـاس را ایـن زمـان می‌پوشـید، مصـداق لبـاس مشـهور بـود و بـه بـدی، انگشت‌نمای جامعه می‌شد، پس بهترین لباس در هر زمان، لباس مـردم آن زمـان است»، ایشان در ادامه فرمودند: «غَیرَ أَنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ لَبِسَ لِبَاسَ عَلِی علیه‌السلام وَ سَارَ بِسِیرَتِهِ»؛ «اما هنگامی که قائم ما اهل‌بیت علیهم‌السلام قیام کند، همانند امیرالمومنین علیه‌السلام لبـاس می‌پوشد و براساس سیره و روش ایشان رفتـار می‌کنـد». (کلینـی، ۱۴۰۷ق، ج۱، ص.۴۱۱؛ ج۶، ص.۴۴۴)

در روایت دیگر، مفضّل‌بن‌عمر گزارش می‌دهد:

در سفر حج در مراسم طواف خانه کعبه، در حضور امام صادق علیه‌السلام بـودم. ایشان رو به من کرده و فرمود: «چرا تو را غمگین و رنگ‌پریده می‌بینم؟» مفضل گفت: «در فکر و اندیشه حاکمان بنی‌عباس و حکومت و سلطنت آنها بودم که چه عظمت و جایگاهی در اختیار دارند، پس اگر حکومت دنیای اسلام در دست شما اهل‌بیت بود، ما شیعیان نیـز بـه برکـت حکومـت شـما از ثروت‌هـای دنیـا بهره‌منـد می‌شدیم.» امـام صـادق علیه‌السلام فرمود: «آگاه باش که اگر حکومت به دست ما اهل‌بیت بود، شب‌ها مشغول عبادت و رسیدگی بـه پرونـده‌هـای امـور مـردم بـودیم، و روزهـا بـه جهـاد و تـأمین نیازهـای مـردم می‌پرداختیم، و به خوردن غذای ساده و پوشیدن لباس خشن و زبر اکتفا می‌کردیم همانند زندگی امیرالمؤمنین علیه‌السلام، و اگر چنین رفتاری نداشته باشیم، عذاب الهی در انتظار است. هم اکنون که حکومت در دست ما اهل‌بیت نیست، ما به طور متعارف و معمولی غذا می‌خوریم و می‌نوشیم، و آیا مظلومیتی را دیده‌ای که خداوند در برابر آن، نعمت عطا کرده باشد؟ اکنون حکومتی که حق ما اهل‌بیت است، غصب شده، اما تا پیش از ظهور امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، خداوند این نعمت را به ما عطا کرده که در استفاده از لبـاس و خـوراک و زنـدگی، راحـت‌تـر هستیم». (نعمـانی، ۱۳۹۷ق، ص.۲۸۷؛ کلینـی، ۱۴۰۷ق، ج۱، ص.۴۱۱)

مشابه همین روایت از عمرو بن شمر نیز گزارش شده است. (نعمانی، ۱۳۹۷ق، صص.۲۸۷-۲۸۸) در ایـن روایـات امـام صـادق علیه‌السلام در پاسـخ بـه پرسـش‌ها پیرامـون تفـاوت در پوشـاک اهل‌بیت علیهم‌السلام در عصر غیبت با سیره امیرالمؤمنین علیه‌السلام، بـر دو نکتـه مهـم و پیاپی تاکید دارند؛ نخست آن‌که پوشش ساده امیرالمؤمنین علیه‌السلام متناسب با زمان خود بوده، و اگر در عصر امام صادق علیه‌السلام که ایشان هیچ مسئولیت مهم اجتماعی و سیاسی ندارند، همان روش به‌کار گرفته

شود، لباس شهرت و مایه نکوهش است، اما در دوران ظهور، امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف همان پوشش امیرالمؤمنین علیه‌السلام را اختیار خواهند کرد. نکته دوم نیز برآمده از نکته قبلی است؛ زیرا در عصر و زمان امیرالمؤمنین علیه‌السلام افزون بر آن‌که فاصله طبقاتی میان اقشار ضعیف و مستمند جامعه و گروه‌های مرفه و ثروتمند بسیار زیاد شده بود، ضرورت داشت که زمامدار حکومت اسلامی برای الگوبخشی به تمام مسلمانان، خود را در ظاهر و پوشش مردم مستضعف و فقیر نشان دهد، پس بی‌تردید اگر تقدیر الهی به‌گونه‌ای رقم می‌خورد که امام صادق علیه‌السلام زمام حکومت اسلامی را بر عهده می‌گرفتند، بی‌توجه به آن‌که ممکن است پوشیدن لباس ساده و خشن، به‌عنوان لباس شهرت قلمداد شود، از آن بهره می‌بردند، چه آن‌که رعایت ظاهر متناسب با اقشار ضعیف در جامعه، یک قانون الهی و یکی از ویژگی‌های زمامدار الهی است، از این رو امام زمان علیه‌السلام نیز همین شیوه را پی خواهند گرفت.

برآیند این روایات، به‌روشنی نشان می‌دهد که امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در دوران ظهور، سیره پوششی امیرالمؤمنین علیه‌السلام را نه‌تنها به‌عنوان یک انتخاب فردی، بلکه به‌مثابه الگوی حکمرانی، بازآفرینی خواهند کرد. چنین سیره‌ای، نه‌فقط پوششی ساده، بلکه بیانگر فلسفه‌ای عمیق از عدالت، مشارکت اجتماعی، فروتنی حاکم و رعایت کرامت انسانی است. بنابراین، فهم دقیق پوشش امام زمان علیه‌السلام، همگام با بررسی سیره پوششی امیرالمؤمنین علیه‌السلام نتیجه‌بخش خواهد بود.

اشاره مستقیم احادیث به سیره پوششی امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در دوران ظهور: تحلیل روایی و تفسیر دلالی

اگرچه بررسی پوشش امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در دوران حکومت جهانی ایشان را می‌توان ذیل مقایسه تطبیقی با سیره پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و امیرالمؤمنین علیه‌السلام قرار داد، اما باید توجه داشت که در منابع روایی شیعه، افزون بر این الگوگیری، اشاراتی صریح و مستقیم به نوع لباس، سبک تغذیه و شیوه زیست حضرت در دوران ظهور به چشم می‌خورد. این احادیث، بدون رجوع آشکار به سیره ائمه پیشین، مستقیماً به ارائه تصویری زاهدانه، سخت‌زیستانه و عاری از تجمل از زندگی شخصی امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف پرداخته‌اند که می‌تواند نقطه عطفی در تحلیل فلسفه اجتماعی این سیره باشد.

روایت یکم: لباس زبر و غذای خشن، سبک زندگی قائم علیه‌السلام

امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِخُرُوجِ الْقَائِمِ فَوَ اللَّهِ مَا لِبَاسُهُ إِلَّا الْغَلِيظُ وَ لَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشِبُ وَ مَا هُوَ إِلَّا السَّيْفُ وَ الْمَوْتُ تَحْتَ ظِلِّ السَّيفِ(نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص.۲۳۳وص.۲۳۴؛ طوسی، ۱۴۱۱ق، ص.۴۶۰)؛

برای ظهور قائم علیه‌السلام عجله نکنید، به خدا قسم که پوشش او (لباس) نیست مگر خشن و زبر و غذایش چیزی جز جوی سفت نیست و او چیزی جز شمشیر نیست و مرگ زیر سایه شمشیر است.

این روایت چندین نکته مهم را دربردارد:

۱. لباس زبر و غذای غیر معمول و سخت، نشان‌دهنده انتخابی آگاهانه از سوی امام علیه‌السلام است، نه فقدان امکان یا دسترسی به تجملات؛ چراکه حکومت جهانی در اختیار اوست.

۲. اشاره به شمشیر و مرگ در سایه آن، فضای پرتنش و پرچالش آغاز ظهور را یادآور می‌شود، که با سخت‌گیری امام علیه‌السلام در زندگی شخصی نیز تناسب دارد.

۳. تعبیر «چیزی جز...» حالت انحصار و تاکید دارد؛ گویی امام علیه‌السلام تمام وجود خود را وقف عدالت‌گستری و اقامه حدود الهی کرده و از آسایش فردی گذشته است.

این تصویر، تأکیدی است بر این نکته که امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نه‌تنها حاکمی مقتدر، بلکه شخصیتی با زیست کاملاً خشنود به زهد ظاهری است. در این چارچوب، پوشش زبر و غذای ساده، نماد عدالت شخصی و یگانگی با محرومان است، نه نشانه فقر یا عدم اقتدار.

روایت دوم: سخت‌تر بودن زمان ظهور نسبت به پیش از آن

معمر بن خلاد می‌گوید:

نزد امام رضا علیه‌السلام سخن از امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به میان آمد، ایشان فرمودند: أَنْتُمُ الْيَوْمَ أَرْخَى بَالًا مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ قَالُوا وَ كَيْفَ قَالَ لَوْ قَدْ خَرَجَ قَائِمُنَا علیه‌السلام لَمْ يَكُنْ إِلَّا الْعَلَقُ وَ الْعَرَقُ وَ النَّوْمُ عَلَى السُّرُوجِ وَ مَا لِبَاسُ الْقَائِمِ علیه‌السلام إِلَّا الْغَلِيظُ وَ مَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشِبُ(نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص.۲۸۵)؛

شما امروز و پیش از ظهور او، در راحتی بیشتری هستید... وقتی قائم علیه‌السلام خروج می‌کند، سختی‌های بسیار زیاد روی می‌دهد... لباس او زبر و خشن، و غذایش بسیار ساده و ناگوار از نظر خوردن است.

تحلیل این روایت نیز چند محور کلیدی دارد:

۱. نسبت‌سنجی بین وضعیت مردم در دوران غیبت و دوران ظهور، نشان‌دهنده آن است که ظهور، صرفاً رویدادی خوشایند و رفاه‌افزا از منظر مادی نیست؛ بلکه دوره‌ای دشوار، گذار از ظلمت به نور، و بافتی انقلابی دارد.

۲. بیان سختی‌های فردی امام علیه‌السلام در پوشاک و خوراک، جنبه‌ای از همین وضعیت انقلابی است. امام علیه‌السلام با ساده‌زیستی خود، الگویی عملی برای هم‌افزایی و مقاومت اجتماعی مردم ارائه می‌دهد.

از منظر جامعه‌شناختی دین، این احادیث نمایانگر رویکردی است که در آن، پوشش ساده و زبر، نه‌تنها بیانگر زهد فردی امام، بلکه بیانگر سیاستی نمادین برای رهبری و بسیج توده‌ها در جهت برپایی نظم نوین الهی است. لباس امام علیه‌السلام، همانند شمشیرش، ابزار مبارزه است؛ نه ابزاری برای تمایز طبقاتی.

به هر حال، این گروه از احادیث، زمانی معنا و ژرفای کامل خود را می‌یابند که در کنار آنچه پیش‌تر از پوشاک دیگر ائمه علیهم‌السلام نقل شد ـ مانند لباس‌های ظاهراً فاخر اما با پوشش زبر در زیر ـ قرار گیرد. وجه مشترک در همه این موارد، مرزبندی میان پوشش فردی (برای خدا) و پوشش اجتماعی (برای مردم) است.

اما تحلیل روایات این مسئله پیرامون امام زمان علیه‌السلام، نشان می‌دهد که گویی، افزون بر پوشش فردی، پوشش اجتماعی ایشان نیز، ساده و زاهدانه خواهد بود. این تفاوت، بر آمده از ناتوانی یا سبک شخصی نیست؛ بلکه از فلسفه سیاسی ـ تربیتی حکومت جهانی مهدوی ناشی می‌شود؛ حکومتی که در آن وحدت اجتماعی، فروپاشی طبقات و یگانگی در سطح ظاهر، بخشی از تحقق عدالت است. پوشش ساده و زبر امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، نماد بازگشت به عدالت علوی و سیره نبوی است؛ نه در ظاهر، بلکه در باطن تمدنی. از این منظر، این سادگی، دعوتی است به مشارکت همگانی در جامعه توحیدی، و هشداری به بازتولید اشرافیت مذهبی یا طبقاتی در دوران ظهور.

پرسش: تنافی ظاهری در روایت‌های پوشش مهدوی

براساس گزارش‌های متعدد مهدوی، دوران ظهور امام زمان علیه‌السلام با ویژگی‌هایی همچون فراگیری آبادانی و سرسبزی، گسترش نعمت‌های مادی، فزونی در برکت‌های زمین و آسمان، و برچیده شدن فقر و محرومیت توصیف شده است. در چنین شرایطی، طبیعی است که مردم در سطحی وسیع از مواهب الهی بهره‌مند شوند و در زمینه پوشش و خوراک، استفاده از بهترین و فاخرترین امکانات برای آنان امری پذیرفته و روا باشد.

با این همه، براساس روایات از پیش گفته و ناظر به سیره شخصی امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، تصویری متفاوت برداشت می‌شود. در این گزارش‌ها، لباس آن حضرت «زبر»، «خشن» و

«ساده» معرفی شده و حتی خوراک ایشان نانی خشک و جوین توصیف گردیده است. این تصویر، نه تنها ساده‌زیستی فردی حضرت را برجسته می‌سازد، بلکه سبک زندگی یاران خاص ایشان را نیز شامل می‌شود. در نگاه نخست، این دو گروه روایت ـ یکی ناظر به وفور نعمت عمومی و دیگری تأکید بر سخت‌زیستی شخص امام علیه‌السلام ـ در ظاهر نوعی تنافی و ناسازگاری را به ذهن متبادر می‌سازند.

اهمیت این اشکال زمانی بیشتر می‌شود که در برخی احادیث و گزارش‌های تاریخی مربوط به دوران ولیعهدی امام رضا علیه‌السلام، به پوشش (لباس) فاخر و آراسته آن حضرت اشاره شده که موضوع پرسش و حتی اعتراض مخاطبان قرار گرفته است:

> گروهی از صوفیه در خراسان خدمت امام رضا علیه‌السلام رسیده و گفتند: «مأمون مقام خلافتی را که خدا به او عنایت کرده، خواست به شایسته‌ترین مردم واگذار نماید، شما خانواده پیغمبر را از همه مردم به مقام رهبری شایسته‌تر دید و از میان اهل‌بیت، شما را از هر نظر لایق‌تر به مقام امامت تشخیص داد و تصمیم گرفت خلافت را به شما واگذارد، در حالی‌که مقام امامت و رهبری به کسی نیاز دارد که غذای خوب نخورد و لباس زمخت و زبر بپوشد و سوار الاغ شود و به عیادت مریض برود.» امام رضا علیه‌السلام که تا آن لحظه تکیه داده بودند، به حالت تعجب و راست نشستند و فرمود: «یوسف علیه‌السلام پیامبر بود و لباس‌هایی از جنس دیباج و آراسته شده با طلا می‌پوشید و بر تخت پادشاهی فرعون تکیه زده و حکومت می‌کرد. آنچه از امام و رهبر جامعه انتظار می‌رود، عدالت‌ورزی و گسترش عدل در جامعه است. وقتی امام حرف می‌زند، صادقانه باشد و راست بگوید. وقتی قضاوت می‌کند به عدالت حکم صادر کند و اگر وعده داد، به آن وفا کند. بی‌تردید خداوند خوراک و پوشاک را حرام قرار نداده و سپس به این آیه اشاره کردند: «ای پیامبر بگو: چه کسی زینت‌های خدا و روزی‌های پاکیزه‌ای را که برای بندگانش پدید آورد، حرام کرده؟» (اربلی، ۱۳۸۱ق، ج۲، ص.۳۱۰؛ حلوانی، ۱۴۰۸ق، صص.۱۲۹-۱۳۰؛ المغربی، ۱۳۸۵ق، ج۲، صص.۱۵۴-۱۵۵)

در روایت دیگر گزارش شده عباس خادم امام رضا علیه‌السلام به آن حضرت گفت:

> چقدر شگفت‌آور است برای مردم کسی که لباس خشن و زبر می‌پوشد و غذای خشک و ساده می‌خورد و در رفتارش تواضع دارد».

امام رضا علیه‌السلام مشابه همان پاسخ قبلی را به وی ارائه کردند (عیّاشی، ۱۳۸۰ق، ج۲، صص.۱۵-۱۶؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۱، ص.۴۱۱؛ المغربی، ۱۳۸۵ق، ج۲، صص.۱۵۴-۱۵۵)

این‌گونه پرسش‌ها از امام رضا علیه‌السلام نه فقط به دلیل ویژگی‌های گرایش به زهد در میان

صوفیان بوده؛ بلکه خادم آن حضرت نیز چنین پرسشی را مطرح می‌کند و گو آن‌که این ذهنیت، که ساده‌زیستی را شرط مشروعیت پیشوای الهی می‌پنداشت، در کلام پرسش‌گران بازتاب یافته و از امام علیه‌السلام انتظار داشتند که در جایگاه رهبری، لباس‌های زبر و خشن بر تن کند و از مظاهر رفاه فاصله گیرد و امام رضا علیه‌السلام نیز ناگزیر به تبیین چرایی رفتار خویش گردید. از این منظر، روشن است که موضوع پوشش ائمه علیهم‌السلام نه تنها یک مسئله فردی، بلکه پرسشی اجتماعی و اعتقادی برای مخاطبان بوده است.

با این حال، نکته‌ای مهم در پاسخ‌های امام رضا علیه‌السلام نهفته است؛ ایشان در توضیح، تأکید کردند که معیار اصلی در جایگاه حکمرانی، عدالت‌ورزی و صداقت در رفتار است، نه نوع پوشش، و این‌که بهره‌مندی از نعمت‌های حلال و استفاده از لباس‌های فاخر نه تنها مجاز است، بلکه متناسب با شأن و اقتضای موقعیت حکومتی به شمار می‌رود. این تصریح امام رضا علیه‌السلام، پرسش را جدی‌تر می‌سازد؛ زیرا براساس این مبنا، اگر امام معصوم در شرایط حکمرانی قرار گیرد، استفاده از پوشش فاخر نه تنها جایز بلکه مقتضای جایگاه اوست. بدین‌سان، پرسش اصلی این است که چرا درباره امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، با وجود تحقق شرایط حکومت جهانی و وفور نعمت، بر ساده‌زیستی شدید و خشن‌پوشی تأکید شده است؟

به این ترتیب، در نقطه تلاقی این دو دسته روایت، اشکالی جدی پدید می‌آید: چگونه می‌توان پوشاک بسیار ساده و خشن امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف را در شرایطی تفسیر کرد که جامعه جهانی مهدوی مملو از رفاه و امکانات مادی است، و در عین حال سیره برخی امامان معصوم در دورانی که به ظاهر در جایگاه مسئولیت سیاسی قرار داشتند، بهره‌گیری از پوشاک فاخر بوده است؟ این تنافی ظاهری، مسئله‌ای اساسی در تحلیل روایات پوشش مهدوی است که نیازمند بررسی و پاسخگویی مستقل در ادامه پژوهش خواهد بود

پیشینه تاریخی پرسش

مرور متون روایی، تفسیری و پژوهش‌های حدیثی معاصر نشان می‌دهد که موضوع «ساده‌زیستی» و «زهد پوششی» اهل‌بیت علیهم‌السلام، به‌ویژه در برابر آموزه‌های مهدوی، بارها و به‌تفصیل مورد بحث قرار گرفته است؛ بسیاری از نویسندگان سنتی و معاصر در تحلیل روایات مهدویت بر ظهور روح زهد و بی‌اعتنایی به مظاهر دنیا در سیره امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف انگشت نهاده‌اند. اما شایان توجه آن‌که ادعای «تناقض» میان دو روایت مشخص ـ گزارش ساده‌پوشی امیرالمؤمنین در مقام خلافت و گزارش بهره‌گیری امام رضا در مقام ولیعهدی و همچنین نسبت آن با مسئله فراوانی نعمت و ثروت پس از ظهور امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف ـ تقریباً منحصر به کلام

ابن‌ابی‌الحدید معتزلی است و در میراث حدیثی و تفسیری شیعه رواج نیافته است. هرچند طرح چنین اشکالی از سوی ابن‌ابی‌الحدید رابطه مستقیمی با موضوع مهدویت ندارد، اما از آن‌جا که می‌تواند در نگاه نخست، وحدت سیره ائمه را در این باب مخدوش جلوه دهد، پرداختن به این ادعا و نقد و تحلیل آن در چارچوب این پژوهش واجد اهمیت است.

بررسی دیدگاه ابن ابی‌الحدید و پاسخگویی ابن‌سینا

کنکاش در آثار عالمان مسلمان نشان می‌دهد که نخستین کسی که به صراحت متوجه اشکال تنافی میان روایات مربوط به پوشاک معصومان شده، ابن‌ابی‌الحدید معتزلی (م. ۶۵۶ق) است. وی در شرح نهج‌البلاغه، پس از توضیح سخن امیرالمؤمنین علیه‌السلام خطاب به عاصم بن زیاد حارثی ـ که در آن حضرت به ضرورت ساده‌زیستی حاکمان عادل اشاره کرده بودند ـ به جریان ملاقات امام رضا علیه‌السلام با صوفیان خراسان اشاره کرده و پرسش آنان از پوشش فاخر آن حضرت را یادآور می‌شود. سپس در مقام اظهار نظر، نتیجه می‌گیرد که میان این دو دسته روایت «تناقض و ناسازگاری» وجود دارد. (ابن أبی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج۱۱، ص.۳۵)

گرچه دیدگاه ابن‌ابی‌الحدید به‌طور مستقیم ارتباطی با موضوع این نوشتار ـ یعنی پوشاک (لباس) امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف ـ ندارد، اما از آن جهت که او به دو حدیث محوری در این مسئله اشاره کرده و ادعای تناقض را مطرح نموده، بررسی و تحلیل سخن وی ضرورت می‌یابد.

ابن‌ابی‌الحدید برای رفع این تنافی به دیدگاه ابن‌سینا در کتاب الإشارات و التنبیهات استناد می‌کند. او در بخش «مقامات العارفین» می‌نویسد:

> عارفان، بسته به آنچه در دل آنان خطور می‌کند و براساس آنچه از عبرت‌ها و تجربه‌ها برمی‌انگیزد، در همّت‌ها و گرایش‌ها متفاوت می‌شوند. گاه برای عارف، قناعت و سخت‌زیستی با رفاه و تجمل یکسان است؛ بلکه حتی ممکن است قناعت و سختی را ترجیح دهد. همان‌گونه، بوی بد و بوی خوش نزد او برابر است؛ بلکه گاه بوی بد را برمی‌گزیند، هنگامی که اندیشه او بر تحقیر غیر خدا استوار باشد. با این حال، ممکن است به زینت‌ها نیز گوش بسپارد و از هر نوعی بهترینش را دوست بدارد و ناقص و کم‌ارزش را ناپسند شمارد، آن‌گاه که براساس عادت خویش با ظواهر اجتماعی همراه گردد. پس عارف در هر چیز، زیبایی و بهاء را می‌جوید؛ زیرا آن را نشانه‌ای از موهبت نخستین و نزدیک‌تر به علایق ذاتی می‌بیند. این امر می‌تواند میان دو عارف متفاوت باشد، یا حتی در یک عارف، در دو زمان مختلف رخ دهد. (ابن سینا، ۱۳۷۵: ص.۱۴۸)

پس ابن‌ابی‌الحدید دیدگاه ابن‌سینا درباره تفاوت «همّت‌ها» در عارفان را برای رفع تنافی

میان دو روایت، راهگشا دانسته است. ابن‌سینا بر این باور است که عارفان گاه به «قشف» (سخت‌گیری بر نفس) و گاه به «ترف» (برخورداری از مظاهر زیبا و فاخر) روی می‌آورند؛ تفاوتی که ناشی از حالات درونی و انگیزه‌های معنوی آنان است. ابن‌ابی‌الحدید نیز با بهره‌گیری از این تبیین، تلاش کرده رفتار متفاوت امامان علیهم‌السلام در پوشش را در قالب تغییرات سلوکی توضیح دهد؛ بدین معنا که انتخاب سبک پوشش در شرایط مختلف می‌تواند برخاسته از تفاوت احوال و گرایش‌های روحی باشد. عارفی در مقطعی ساده‌زیستی را برمی‌گزیند و در مقطعی دیگر، بهره‌مندی از مظاهر زیبایی و تجمل را، بی‌آن‌که در هر دو حال، از حقیقت عبودیت فاصله گیرد.

برخی از نویسندگان معاصر نیز برای پاسخ به اشکال مزبور، به گفتاری مشابه آنچه ابن‌سینا مطرح کرده، بسنده کرده‌اند. (امینی گلستانی، ۱۳۸۵، ج۱، صص.۵۱۸-۵۱۹)

نقد و بررسی

اما این تحلیل با اشکالاتی جدی روبه‌روست. نخست آن‌که پذیرش چنین مبنایی به معنای تقلیل مقام امام معصوم به جایگاه یک عارف در معنای اصطلاحی آن است؛ در حالی‌که در اندیشه شیعی، امامان علیهم‌السلام نه صرفاً عارفانی برجسته، بلکه صاحبان مقام عصمت، ولایت تکوینی و تشریعی، و حجیت مطلق برای امت‌اند. به همین دلیل، تحلیل ابن‌سینا که بر پایه نظریه «انسان کامل» در عرفان اسلامی شکل گرفته، قابلیت انطباق مستقیم بر جایگاه امامان ندارد و در نتیجه مورد پذیرش همه عالمان شیعه واقع نشده است. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸: ج۲، ص.۱۸)

از سوی دیگر، تحلیل ابن‌سینا و بهره‌گیری ابن‌ابی‌الحدید از آن که برآمده از رویکرد کلامی ـ فلسفی او در شرح نهج‌البلاغة است، تنها در سطح عرفانی و فلسفی باقی می‌ماند و نمی‌تواند به‌طور کامل پاسخگوی پرسش روایی و فقهی باشد؛ زیرا در متون روایی، پوشاک معصومان نه به‌عنوان گرایش فردی یا احوال عرفانی، بلکه به مثابه «سیره‌ای اجتماعی و تربیتی» با پیام‌های روشن برای جامعه مطرح گردیده است. بدین‌روی، توضیح ابن‌سینا ـ هرچند در رفع تنافی از منظر عرفان نظری مفید می‌نماید ـ نمی‌تواند جایگزین تحلیل روایی و تاریخی در بستر واقعی زندگی معصومان علیهم‌السلام گردد.

از این منظر، طرح ابن‌ابی‌الحدید بیشتر بیانگر نخستین تلاش‌ها برای رفع تعارض ظاهری میان روایات است، نه پاسخی نهایی و جامع به مسئله.

بررسی سیره پوشش معصومان علیهم‌السلام؛ وحدت مبنا و تفاوت در تجلی تاریخی

با دقت در مجموعه روایات مربوط به پوشش معصومان علیهم‌السلام و تحلیل تاریخی آنها، روشن می‌شود که در نگاه کلان و اعتقادی، همه ائمه اطهار علیهم‌السلام دیدگاهی یکسان نسبت به دنیا، زهد، عدالت‌محوری و فلسفه حکومت الهی داشته‌اند. این دیدگاه، ساده‌زیستی و پرهیز از اشرافیت را نه به‌مثابه یک رفتار صوری، بلکه به‌عنوان بخشی از منظومه تربیتی و اجتماعی اسلام معرفی می‌کند. لباس و خوراک در این منطق، ابزار هدایت و تحکیم عدالت اجتماعی است، نه هدفی در خود.

از این منظر، تفاوت گزارش‌ها درباره نوع پوشش، هرگز به معنای اختلاف مبنایی نیست، بلکه ناشی از تفاوت شرایط اجتماعی، سطح رفاه عمومی و موقعیت سیاسی هر امام بوده است. در دوره‌هایی که جامعه با فقر و تنگدستی عمومی روبه‌رو بود ـ مانند عصر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و امیرالمؤمنین علیه‌السلام ـ استفاده از لباس زبر و خشن، علاوه بر هماهنگی با وضعیت عمومی مردم، نماد هم‌سطحی حاکم با محرومان و ابزار تربیتی برای جلوگیری از شکل‌گیری یا تعمیق شکاف طبقاتی محسوب می‌شد. امیرالمؤمنین علیه‌السلام در دوران خلافت ظاهری خود، به‌عنوان مسئول اصلی اداره جامعه، بر آن بودند که حتی در جزئی‌ترین مظاهر زندگی شخصی، خود را در سطح فرودست‌ترین اقشار جامعه قرار دهند؛ از همین رو، غذای خشک و لباس خشن را برگزیدند و این سیره را به‌عنوان «قانون پوشش حاکمان الهی» معرفی کردند.

در مقابل، در شرایطی که جامعه در رفاه نسبی قرار داشت یا امام مسئولیت عملی حکمرانی را برعهده نداشت، جلوه‌های کاربردی این سیره متفاوت می‌شد. نمونه بارز آن، دوره ولیعهدی امام رضا علیه‌السلام است؛ ایشان به اجبار مأمون این جایگاه را پذیرفتند، (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۱، صص.۴۸۸-۴۸۹) اما شرط کردند در امور مملکتی دخالتی نداشته باشند. (صدوق، ۱۳۷۶: ص.۷۰؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ج۲، ص.۲۶۰) در چنین وضعیتی، امام نه دسترسی به ابزار اجرایی اداره کشور داشتند و نه تکلیف مدیریت مستقیم بر دوش ایشان بود. از این رو، استفاده از لباس فاخر و آراسته ـ مشابه دیگر مردم در سطح اجتماعی آن روزگار ـ نه از روی دلبستگی به دنیا، بلکه برای حفظ وقار ظاهری و شأن اجتماعی در برابر دربار عباسی ضروری بود. از این رو پاسخ‌های امام رضا علیه‌السلام به صوفیان و حتی خادم شخصی خود، معیار ارزش‌گذاری را عدالت و صداقت معرفی می‌کند، نه نوع پوشش. بر مبنای این تحلیل، بی‌تردید اگر امام رضا علیه‌السلام اختیار کامل حکمرانی در دست داشتند، بی‌تردید همان قاعده‌ای را رعایت می‌کردند که پیامبر و امیرالمؤمنین علیهم‌السلام در دوران حکومت خویش بدان پایبند بودند و رفتار پرسش‌انگیز ایشان نه

نشانگر تفاوت ماهوی در سیره معصومان، بلکه ناشی از محدودیت جایگاه سیاسی و اجتماعی ایشان بود.

این تحلیل با روایتی از امام صادق علیه‌السلام تقویت می‌شود؛ درباره منصور دوانیقی گزارش رسید که از هنگام رسیدن به خلافت، جز لباس خشن و غذای خشک استفاده نمی‌کند. امام صادق علیه‌السلام این رفتار را به‌سختی نکوهش کردند؛ زیرا انگیزه او بخل و جمع‌آوری ثروت بود، نه زهد و تربیت دینی. (اربلی، ۱۳۸۱ق، ج۲، ص.۲۰۳) این نشان می‌دهد که در سیره اهل‌بیت، ظاهر ساده‌زیستی بدون بینش توحیدی و انگیزه الهی، هیچ فضیلتی ندارد. بدین‌سان، معیار اصلی در پوشش معصومان علیهم‌السلام، همواره انگیزه و هدف الهی بوده است.

همین قاعده در مورد سیره پوششی امام زمان علیه‌السلام نیز صادق است. براساس روایات، عصر ظهور دوران وفور نعمت، از میان رفتن فقر و توسعه رفاه جهانی خواهد بود. هرچند در چنین شرایطی هیچ مانع شرعی یا اجتماعی برای استفاده از بهترین و فاخرترین پوشاک وجود ندارد، اما امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در جایگاه رهبر حکومت عدل جهانی، ساده‌پوشی را برمی‌گزینند. این انتخاب آگاهانه، دو پیام اساسی دارد؛

نخست: بی‌ارزشی دنیا در مقایسه با هدف غایی بندگی و اقامه عدالت. امام به‌عنوان الگوی بشریت، با انتخاب سبک زندگی ساده، به مردم می‌آموزند که ارزش واقعی انسان در مادیات نیست، بلکه در تقوا و عدالت است.

دوم: حفظ پیوند با مؤمنانی که با پیشینه محرومیت مادی در دنیا زندگی می‌کردند و همچنین پیشگیری از بازتولید شکاف طبقاتی، حتی در جامعه‌ای که به ظاهر فاقد فقر است. پس اگرچه در زمان ظهور فقر ریشه‌کن می‌شود، اما فراوانی نعمت‌ها می‌تواند زمینه‌ساز تجمل‌گرایی و رقابت مادی شود، که به‌تدریج نابرابری‌های جدیدی ایجاد می‌کند. ساده‌زیستی امام زمان علیه‌السلام به‌عنوان یک الگوی عملی، مانع از شکل‌گیری فرهنگ مصرف‌گرایی و تجمل‌پرستی می‌شود.

این رویکرد پیش‌تر نیز در تاریخ انبیاء الهی مشاهده شده است؛ چنان‌که در مورد حضرت سلیمان علیه‌السلام ـ با آن‌که خداوند حکومتی گسترده و امکانات بی‌مانند در اختیارشان نهاده بود ـ گزارش شده که همواره لباس زبر و خشن می‌پوشیدند:

كَانَ سُلَيْمَانُ علیه‌السلام مَعَ مَا هُوَ فِيهِ مِنَ الْمُلْكِ يلْبَسُ الشَّعْرَ. (مجلسی، ۱۳۶۳: ج۱۴، ص.۸۳)

این شاهد تاریخی نشان می‌دهد که در منطق وحی، انتخاب ساده‌پوشی حتی در اوج قدرت و رفاه، حامل پیام تربیتی و الهی است؛ همان پیامی که در حکومت عدل جهانی امام

مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به کامل‌ترین وجه تجلی خواهد یافت.

در نتیجه، مجموعه شواهد تاریخی و روایی نشان می‌دهد که سیره پوشش معصومان علیهم‌السلام دارای یک مبنای مشترک و کاملاً هماهنگ است؛ بهره‌گیری از دنیا در چارچوب حلال، به‌عنوان ابزار تحقق اهداف الهی؛ نه به‌مثابه غایت و نشانه برتری. تفاوت در شکل و ظاهر این پوشش صرفاً بازتاب تفاوت شرایط اجتماعی، جایگاه سیاسی و اقتضائات هر دوره بوده است و به هیچ‌وجه به معنای تنافی یا اختلاف مبنایی میان روایات نیست. این دیدگاه واحد، در طول تاریخ با جلوه‌های متنوع ظاهر شده و در حکومت عدل مهدوی به کامل‌ترین شکل خود به عرصه عمل خواهد رسید.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با روش تحلیل کیفی و تفسیری روایات شیعی، به بررسی پوشش (لباس) امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در عصر ظهور و نسبت آن با عدالت اجتماعی پرداخت و آن را در چارچوبی تطبیقی با سیره خاتم الانبیاء صلی‌الله‌علیه‌وآله و امیرالمؤمنین علیه‌السلام در پوشاک مورد واکاوی قرار داد. یافته‌ها نشان داد که تأکید روایات بر لباس زاهدانه، زبر و ساده امام زمان علیه‌السلام ـ در حالی که دوران ظهور عصر وفور نعمت و رفاه عمومی است ـ نه تعارضی با شکوه حکومت جهانی دارد و نه کاستی در شأن رهبری الهی محسوب می‌شود؛ بلکه عاملی استراتژیک و راهبردی برای تحقق عدالت اجتماعی، همراهی با توده‌های محروم و مقابله با بازتولید اشرافی‌گری و فاصله‌های طبقاتی. این سیره ریشه در مبنای واحد زهد اسلامی دارد که پوشاک را ابزاری برای ترویج تواضع، تربیت دینی و تحکیم عدالت اجتماعی معرفی می‌کند.

مقایسه با سایر ائمه علیهم‌السلام نشان داد که همه ایشان در اصل نگرش به دنیا و حکومت الهی دیدگاهی مشترک داشته‌اند. تفاوت‌ها در شکل پوشش صرفاً ناشی از شرایط اجتماعی و سیاسی بوده است: در دوره‌هایی مانند خلافت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و امیرالمؤمنین علیه‌السلام، پوشش ساده و خشن نماد هم‌سطحی با محرومان و قانون پوشش حاکمان الهی بود؛ در حالی که در عصر امام رضا علیه‌السلام، ولیعهدی اجباری و فقدان اختیار واقعی در اداره امور، استفاده از لباس فاخر را موجه می‌ساخت. بررسی اشکالاتی همچون ادعای تناقض در روایات (از سوی ابن ابی‌الحدید) نیز آشکار کرد که این تفاوت‌ها نه اختلاف ماهوی، بلکه بازتاب شرایط زمانی و اهداف تربیتی بوده است.

نتیجه کلی پژوهش آن است که پوشش امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در عصر ظهور تداوم همان سیره مشترک اهل‌بیت علیهم‌السلام است که در هر دوره به تناسب شرایط اجتماعی و جایگاه سیاسی

جلوه‌های متفاوت یافته است. این سیره در حکومت عدل جهانی به اوج خود می‌رسد و پیام روشن آن، بی‌اعتباری مظاهر دنیا در برابر ارزش‌های عدالت و تقواست. از منظر کاربردی، این تحلیل می‌تواند الهام‌بخش سیاست‌گذاران، رهبران دینی و جامعه معاصر باشد تا با ترویج ساده‌زیستی و پرهیز از تجمل‌گرایی، زمینه‌های تحقق عدالت اجتماعی و انتظار سازنده برای ظهور حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف را تقویت کنند.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- ابن ابی شیبة، عبدالله بن محمد. (۱۴۰۹ق). ***المصنف***. بیروت: دارالتاج.
- ابن أبی الحدید، عبدالحمید. (۱۴۰۴ق). ***شرح نهج البلاغة***. قم: مکتبة آیة‌الله المرعشی النجفی.
- ابن اعثم، احمد. (۱۴۱۱ق). ***الفتوح***. بیروت: دار الأضواء.
- ابن الجوزی، سبط. (۱۴۱۸ق). ***تذکرة الخواص***. قم: منشورات الشریف الرضی.
- ابن حنبل، احمد. (۱۴۱۶ق). ***مسند الإمام أحمد بن حنبل***. بیروت: مؤسسة الرسالة.
- ابن سعد، محمد. (۱۴۱۰ق). ***الطبقات الکبری***. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله. (۱۳۷۵). ***الاشارات و التنبیهات***، قم: البلاغة.
- ابن شهر آشوب، مازندرانی. (۱۳۷۹ق). ***المناقب***، قم: علامه.
- ابو الشیخ، عبدالله بن محمد. (۱۹۹۸م). ***أخلاق النبی و آدابه***. بی‌جا: دارالمسلم.
- اربلی، علی بن عیسی. (۱۳۸۱ق). ***کشف الغمة فی معرفة الأئمة***. تبریز: بنی هاشمی.
- المسعودی، علی بن الحسین. (۱۴۲۶ق). ***اثبات الوصیة***. قم: انصاریان.
- المغربی، نعمان. (۱۳۸۵ق). ***دعائم الإسلام***. قم: مؤسسة آل البیت علیهم‌السلام.
- امینی گلستانی، محمد. (۱۳۸۵). ***سیمای جهان در عصر امام زمان*** عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف. قم: مسجد جمکران.
- ثقفی، ابراهیم بن محمد. (۱۳۹۵). ***الغارات***. تهران: انجمن آثار ملی.
- حلوانی، حسین بن محمد. (۱۴۰۸ق). ***نزهة الناظر و تنبیه الخاطر***. قم: مدرسة الإمام المهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف.
- خراسانی، محمدجواد. (۱۳۸۸). ***مهدی منتظر*** عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف. مشهد: نور الکتاب.
- جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۸). ***از فرات تا فرات***. قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف.

- سید رضی، علم الهدی. (۱۴۱۴ق). ***نهج البلاغة***. (محقق: صبحی صالح) قم: هجرت.
- صدوق، محمدبن علی. (۱۳۶۲). ***الخصال***. قم: جامعه مدرسین.
- صدوق، محمدبن علی. (۱۳۷۶). ***الأمالی***. تهران: کتابچی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۹۰ق). ***إعلام الوری بأعلام الهدی***. تهران: اسلامیه.
- طبری، محمدبن جریر. (۱۹۶۷م). ***تاریخ الطبری***. بیروت: دارالتراث.
- طوسی، محمدبن الحسن. (۱۴۱۱ق). ***الغیبة***. قم: دارالمعارف الإسلامیة.
- علی‌نوری، علیرضا. (۱۳۷۹). ***امامت حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در اعتقاد ما***. تهران: سپاه پاسداران.
- عیّاشی، محمدبن مسعود. (۱۳۸۰ق). ***تفسیر العیاشی***. تهران: المطبعة العلمیة.
- کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۴۰۷ق). ***الکافی***. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- کراجکی، محمدبن علی. (۱۴۱۰ق). ***کنز الفوائد***. قم: دارالذخائر.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۶۳). ***بحارالانوار***. تهران: اسلامیة.
- مفید، محمدبن محمد. (۱۴۱۳ق). ***الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد***. قم: کنگره شیخ مفید.
- نسائی، احمدبن شعیب. (بی‌تا). ***سنن النسائی***. ریاض: بیت الأفکار الدولیة.
- نعمانی، محمدبن ابراهیم. (۱۳۹۷ق). ***الغیبة***. تهران: نشر صدوق.